

درس نودم – ارتباط اسامی و افعال

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 24, 2018

سلام دوستان ، در این درس می خواهیم ارتباط میان اسامی و فعل ها را در زبان آلمانی مورد بررسی قرار دهیم و از طریق درک کردن آنها ، بتوانیم با روش های مختلف منظور خودمان را بیان کنیم و در نهایت راحت تر و ساده تر پی ببریم که این فعل یا جمله چرا Akkusativ یا Dativ و ... است!

در هر زبانی می شود با جملات بازی کرد و آنها را با شکل های مختلف بیان کرد ، در زبان آلمانی نیز به همین صورت است ، فرض کنید در فارسی : من بگویم در مورد موضوعی بحث می کردیم یا اینکه بگویم ما در مورد چیزی صحبت می کردیم ، در زبان آلمانی ما می توانیم با دو ساختار متفاوت همین تصویر را در ذهن مخاطب به وجود بیاوریم.

Ein Thema anschneiden

در مورد موضوعی بحث کردن و آنرا موشکافی کردن

Über etwas zu sprechen

در مورد چیزی صحبت کردن

همانطور که می بینید در دو جمله بالا تمام لغات آنها با هم متفاوت بودند اما در نهایت آنها یک تصویر را در ذهن مخاطب به وجود می آورد.

پس ما می توانیم در مورد موضوعی صحبت کنیم ، همین جاست که باید سریع به خاطر بسپاریم که über حرف اضافه فعل sprechen است. یعنی در آلمانی ما über etwas صحبت می کنیم و در فارسی نیز درباره چیزی یا پیرامون چیزی صحبت میکنیم.

من درمورد تو صحبت می کردم.

می بینید که (در مورد) همان über ما در زبان آلمانی است.

و بعد از آن باید بدانیم که در هر صورتی بالاخره یک جایی با worüber و darüber نیز سر کار داریم ، زیرا حرف اضافه über همیشه با sprechen در ارتباط است.

Worüber sprechen Sie?

در مورد چه چیزی شما دارید صحبت می کنید؟

Ich spreche über die Frau

من در مورد آن خانم صحبت می کنم.

Dann sprechen Sie darüber

پس شما دارید در مورد اون صحبت می کنید!

قدم بعدی این است که سریع به ذهنمان بسپاریم که ما در آلمانی یک موضوع یا یک عنوان یا یک مبحث را anschneiden میکنیم. یعنی که فعل anschneiden یک فعل Akkusativ است چون توسط آن است که ما چیزی را به صورت موشکافانه مورد بحث قرار میدهیم.

فعل anschneiden می تواند معانی زیر را نیز به همراه داشته باشد :

قسمتی از چیزی را بریدن ، تکه ای از چیزی را بریدن

مثال :

Das Brot anschneiden

آن نان را بریدن

Den Kuchen anschneiden

آن کیک را بریدن

می بینید که در هر حالتی فعل anschneiden یک فعل Akkusativ ساز است چون ما چیزی را می بریم و به خاطر وجود آن (را) در فارسی پی می بریم که اسم ما در حالت Akkusativ بیان شده است.

مثال بعدی :

چه من در فارسی بگویم ، من دیگر هیچ امیدی ندارم ، چه بگویم : قطع امید کرده ام

Die Hoffnung aufgeben

قطع امید کردن ، امید را از دست دادن

Keine Hoffnung mehr haben

دیگر هیچ امیدی نداشتن

در این مثال فعل aufgeben خود به تنهایی معنی قطع امید کردن یا ناامید شدن را میدهد ، یعنی این فعل ارتباط مستقیم دارد با Die Hoffnung که اسم ما در جمله است

مانند : Gib nicht auf نا امید نشو

مثال بعدی :

در کشور آلمان بعد از اتمام هر قراردادی ، ما می بایستی امضاء کنیم ، حال من چه یک قرار داد را منعقد کنم و چه آنرا امضاء کنم در هر دو حالت منظور من این است که کار آن قرار داد تمام شده است.

Einen Vertrag abschließen

یک قرارداد را منعقد کردن

یک قرار داد را به اتمام رساندن

unterschreiben

امضاء کردن ، تایید کردن

پس هم می توانم از اسم قرارداد و فعل منعقد کردن استفاده کنم و یا اینکه تنها از فعل امضاء کردن استفاده کنم.

مثال بعدی :

Einen Beruf ausüben

یک کاری را بر طبق عادت انجام دادن

beruflich machen

شغل یا حرفه ای را انجام دادن

در اینجا فعل ausüben خود به تنهایی به این معنی است که ما کاری را بر طبق عادت انجام دهیم یا اجرا کنیم ، و در جمله دوم هر چیزی که مربوط به شغل است را انجام بدهیم ، هر چند که این دو جمله از لغات و فعل های متفاوتی ساخته شده اند اما در پایان یک تصویر در ذهن مخاطب نقش می بندد ، یا بهتر است بگوییم برداشت مشترکی از آنها می شود.

مثال بعدی :

چه من بگویم یک خطایی را مرتکب شده ام و یا بگویم : خطای کردم در هر دو حالت منظور من یک چیز است.

Einen Irrtum begehen

یک خطایی را مرتکب شدن

Sich irren

فعل irren که در اینجا در نقش یک فعل Reflexiv است به خاطر وجود sich به معانی زیر است :

خطا کردن ، مرتکب اشتباه شدن ، خبط کردن ، اشتباه کردن

اگر تمام دروس گرامری سایت را دنبال کرده باشید ، دیگر در این درس می توانید به خوبی یک جمله را مورد بررسی قرار بدهید و به نکات آن پی ببرید ، برای مثال به این جمله یکبار دیگر توجه کنید :

Einen Irrtum begehen

یک خطایی را مرتکب شدن

چه نکات گرامری سریع باید دست گیرمان شود ؟

۱. Der Irrtum یک اسم مذکر است که در جمله حرف تعریف ناشناخته آن یعنی ein به einen تبدیل شده است.

۲. فعل begehen یک فعلی است که Akkusativ ساز است.

اما بد نیست نگاهی به دیگر معانی begehen نیز داشته باشیم :

اجرای مراسم کردن ، جشن به پا کردن
رد شدن ، گذشتن گذر کردن ، عبور کردن ، رفتن به راهی
مرتکب عملی شدن

همانطور که ما در فارسی راهی را میرویم ، جشنی را بر پا میکنیم در آلمانی نیز به همین صورت است اما گاهی تفاوت های نیز وجود دارد ، مثلا ما در فارسی : از جایی عبور میکنیم ، از جایی میگذریم ، از جایی رد می شویم که همه اینها قانونا می بایستی در آلمانی هم به حالت Dativ برود اما توجه داشته باشید که در آلمانی ما آنرا همیشه به صورت Akkusativ بیان میکنیم. چون فعل جمله ما که begehen است ذات Akkusativ ساز دارد.

مثال :

Die Eisenbahnstrecke begehen

از راه آهن عبور کردن ، از ریل راه آهن رد شدن

می بینید که در فارسی (از ریل راه آهن) رد شدیم اما در آلمانی ما ریل راه آهنی را عبور میکنیم ، که همان تفاوت میان تفکر فارسی زبان ها و آلمانی زبان هاست.

بنابراین به همین شکل ما می توانیم جملات آلمانی را بخوانیم و سریع آنها را تجزیه و تحلیل کنیم و بهتر و ساده تر به ذهنمان بسپاریم و مثلا اگر قرار باشد از فعل begehen استفاده کنم ، تازه به این فکر نکنم خبر الان بعدش اسم به کدام حالت باید بره یا الان آرטיکل اسمم را چکار کنم و همینطور موضوع را برای خودمان سخت و سخت تر کنیم.

Eine Straftat begehen

جنایتی را مرتکب شدن

Etwas Illegales tun

چیزی را غیر قانونی انجام دادن

با روش گفته شده در بالا می توانید به راحتی و ساده تر افعال و اسامی و ارتباطی که میان آنهاست را به خاطر بسپارید.

مثال بعدی :

Freude bereiten

شادی فراهم آوردن

erfreuen

شاد شدن ، خوشنود شدن ، شاد کردن

چه من شادی را فرام آورم چه من شاد شوم در هر دو حالت یک کار را انجام داده ام که در بالا ساده تر این است که از فعل مربوط به خودش یعنی شاد شدن که erfreuen است استفاده کنم

در این زمینه تا دلتان بخواهد مثال است و از آنجایی که اگر شما در حال مطالعه این درس هستید باید سطح زبان شما دست کم B2 باشد.

چنانچه شما نیز سوال ، مثال یا نظری در ارتباط با این درس دارید، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.